

## پنجاه ضرب المثل انگلیسی و معادل آن در عربی و فارسی

بحث دربارهٔ امثال و حکم اقوام و ملل بسیار شیرین و جالب است خاصه اگر با یکدیگر مقایسه گردند و مبدء و ریشه آنها جستجو شود. مضامین مشترك امثال را در برخی موارد می توان حمل بر توارد خاطرین کرد بدین معنی که دو تن در دو زمان و دو مکان تحت تأثیر يك موضوع قرار گرفته و سخنی گفته باشند و این در ادب هر قوم شواهد و نظایر بسیار دارد ثعالبی در کتاب یتیمه الدهر می نویسد:

«ابوطیب طاهری در «روزرام» دو بیت زیر را به برادرش ابوطاهر نوشت :

وانی والموذن یوم رام لمختلفان فی هذی الغداة

انادی بالصبح له کیادا اذا نادى بحی علی الصلوة

فرستادهٔ ابوطیب در میان راه به فرستادهٔ ابو طاهر بر خورد کرد و دید که او نیز حامل همین دو بیت از ابوطاهر به ابوطیب می باشد»

و همچنین ابوهلال عسکری در یکی از فصول کتاب الصناعین می گوید :  
« گاهی متاخر معنی بذهنش خطور می کند بدون اینکه توجه داشته باشد که پیش از او دیگری این معنی را گفته، و این امر را خود آزموده ام آنگاه که در وصف زنان گفتم: «سفرن بدورا وانتقبن اهلة» و می پنداشتم که من نخستین کسی هستم که این دو تشبیه را در نیم بیت آورده ام تا آنکه دیدم یکی از بغدادیان عین همین مضمون را

گفته از آن روزبر آن شدم که بطور حتم نگویم که متاخرا از متقدم مضمونی را گرفته است .

این موضوع را که در مورد یک زبان بودمی توان بدو زبان مختلف سریان داد، ولی در بیشتر موارد می توان استنباط کرد که یک مضمون از یک منبع و سرچشمه حرکت کرده و سیر نموده و در دو مکان به دو زبان مختلف آشکار گشته است . دانشمندانی که در ادبیات تطبیقی کار میکنند می توانند ریشه واصل اینگونه مضامین و امثال و حکم را دریابند .

بسیاری از مضامین امثال که امروز در زبانهای مختلف دیده میشود میتوان ریشه آن را در کتب دینی کهن مانند عهدین و اوستا ویا در سخنان فلاسفه و شعرای متقدم یافت مثلاً داستان عقاب مغرور را که ناصر خسرو در قطعه :

روزی ز سر سنگ عقابی بهواخواست  
بهر طمع طعمه پر و بال بیاراست  
نقل کرده است و در پایان قطعه گوید :

چون نیک نگه کرد پر خویش در آن دید

گفتا ز که نالیم که از ماست که بر ماست

و در دیوان طغرائی اصفهانی صاحب لامیة العجم هم دیده می شود با این تفاوت که بجای «عقاب» «غراب» است و او هم در پایان گوید :

يقول والسهم قد تحدو قواده  
من ذا الوم وحتفی جاء من قبلی

عیناً در گفته اشیل Eschyle شاعر یونانی دیده میشود.

و یا داستان گرگ و بره ای که در قسمت پائین نهر آب می نوشید و گرگ باو ایراد کرد که چرا مشرب مرا گل آلود می کنی و او جواب داد چگونه از پائین نهر مشرب ترا گل آلود می کنم سپس گفت تو سال گذشته بمن بدگفتی جواب داد من سال گذشته بدنیا نبودم. که عیناً در شعر لافونتن La Fontaine شاعر قرن هفدهم میلادی باین تعبیر :

Et je sais que de mai tu

Médis L'an passé

- Comment L'aurais - je faut  
si je n' étais pas né

دیده میشود .

پیش از او آنرا در شعر ربیعۀ رقی شاعر عرب در قرن سوم می بینیم :  
أنت الذی من غیر جرم شتمنی      فقال متی ذاقال ذاعام اول  
فقال ولدت العام بل رمت غدرة      فدونك كلنی لاهنالك ماكل  
ویا ضرب المثل فرانسوی

L' homme revient toujours à ses premiers amours

که در این بیت فخرالدین گرانگانی دیده میشود:

زجانش خوشتر آمد مهر رامین      چه خوش باشد بدل یار نخستین  
عیناً در شعر ابوتمام شاعر عرب می بینیم :

نقل فوادك حيث شئت من الهوى      ما الحب الا للحبيب الاول  
ویا مضمون شعر سعدی

دشمن بدشمن آن نپسندد که بی خرد      بانفس خود کند بهوای مراد خویش  
که تصویری کردیم عیناً از حدیث « اعدی عدوك نفسك التي بين جنبيك »  
اخذ شده در کارنامه اردشیر بابکان بدین صورت میبایم: «چی داناکان گوپت ایستیت کو  
دوشمن پیت دوشمن آن فی توبان کرتز اهچ ادان مرت هچ کونشنی خویش اویش  
رسیت» چه دانایان گفته اند که دشمن بدشمن آن نتواند کردن که بمرد نادان از  
کنش خویش باورسد.

ویا مضمون مثل انگلیسی :

Does a bramble bring forth grapes?

که در این شعر فارسی دیده میشود :

اگر بدکنی چشم نیکی مدار      که هر گز نیارد گز انگور بار  
و در شعر ابن عبدالقدوس بدین صورت آمده :  
اذا وترت امرء فاحذر عداوته      من یزرع الشوك لا یحصد به عبا

در انجیل متی ۷-۱۶ دیده می شود :

« آیا انگور را از خار و انجیر را از خس می چینند؟ »



نگارنده آنگاه که در دانشکده مطالعات علوم شرقی دانشگاه لندن بتدریس زبان و ادبیات فارسی اشتغال داشت برای تقریب ذهن دانشجویان با مثال و تعبیّرات فارسی، گاهی معادل آنرا بزبان انگلیسی می‌جست و نیز برای دانشجویان عرب معادل عربی آنرا بدست می‌آورد که اینک پنجاه مورد آن بدون رعایت هیچ‌گونه ترتیبی نقل میشود:

1- Whom a serpent has bitten a lizard alarms .

من نهشته الحية حذر الرسن .  
مار گزیده از زیر همان سیاه و سپید می‌ترسد.

2- Whosoever diggeth a pit for others shall fall therein .

من حفر بئراً لآخیه وقع فیہ .  
چند ناگهان بچاه اندر افتاد  
آنکه او مردیگران را چاه کند

3- What is gone is gone .

ما فات فات .  
بر گذشته حسرت آوردن خطاست .

4- What is in the pot will come out in the ladle

کل إناء یرشح بما فیہ .  
از کوزه همان برون تراود که دروست .

5- What conection is there between earth and heaven ?

ماللتراب ورب الارباب .  
چه نسبت خاک را با عالم پاک .

6- Victory increases by concord .

یدالله مع الجماعة .  
صد هزاران خیط یکتا را نباشد قوتی چون بهم بر تافتی اسفندیارش نگسلد

7- Virtue lies in the mean .

خیر الامور اوسطها .  
میانہ کارهمی باش و بس کمال مجوی .

8- Try and try and you will succeed.

من طلب شیئا وجد وجد .  
گفت پیغمبر که چون کوبی دری  
عاقبت زان در برون آید سری

9- To throw pearls before swine .

لا تظر حوا اللدر تحت ارجل الخنازیر .  
من آنم که در پای خوکان نریزم  
مرین قیمتی در لفظ دری را

10- To favour the ill is to injure the good.

الاحسان فی غیر موضعه ظلم .  
که نیکی بابدان کردن چنانست  
که بد کردن بجای نیک مردان

11- Out of the frying - pan into the fire.

کالمستجیر من الرمضاء بالنار .  
کردم از باران حذر در ناودان آویختم .

12- When you are at Rome do as the Romans do .

اذا كنت فی بلدة فعاشر با داب سكانها .  
خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو .

13- Every dog is a lion at home .

كل كلب یبأه نباح .  
سگ در خانه صاحبش شیراست .  
پرتال بنام انسانی و مطالعات فرهنگی

14- Every pleasure has a pain .

فان الحزن عاقبة السرور .  
آخر هر سور جهان شیون است .

15- Envy has no holiday .

لیس للحسود راحة .  
حسود را چه کنم که ز خود برنج دراست .

16- Even an ass will not fall twice in the same quicksand.

لا یلذغ المؤمن من جحر مرتین .  
هر آن گاهی که باشد مرد هشیار  
ز سوراخی دوبارش کی گزدمار

17- Do good cast it into the sea .

اعمل الخیر وارمه فی البحر .

تونیکی می کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز

18- Do to others as you wish done to you .

احب للناس ما تحب لنفسک .

برتم آنچه تمّت را میسندی میسند .

19- Don't speak ill of the dead .

اذکر و اموتاکم بالخیر .

نام نیک رفتگان ضایع مکن تا بماند نام نیکت برقرار

20- Empty vessels sound most.

الاناء الفارغ یرن کثیرا .

که در گنبد زیبی مغزی صدا بسیار می پیچد .

21- Clever people often miss their way.

لکل عالم هفوة .

گناه آید ز کیهان دیده پیران خطا آید ز داننده دبیران

22- Dead mice feel no cold .

الشاء المذبوحة لاتالم السخ .

از سلامت چه غم خورد سعدی و مطالع امرده از بیشتر مترسانش

23- Diamond cuts diamond .

لا یفل الحديد الا الحديد .

نشاید بردن انده جز بانده نشاید کوفت آهن جز بآهن

24- A drowning man catches at a straw .

الغرقیق یتشبث بكل حشیش .

دلّت با یار دیگر زان بیبوست کجا غرقه بد هر چیزی زند دست

25- A fault once denied is twice committed .

عذره اشد من جرّمه .

عذر بدتر از گناه .

26- A friend in need is a friend indeed.

يعرف الصديق عند الحاجة .

دوست آن باشد که گیرد دست دوست در پریشان حالی و درماندگی

27- A liar should have a good memory .

کن ذکورا اذا كنت کذوبا .

درغگو گاهی فراموشکار درمی آید .

28- A nod is enough to the wise .

الحر تكفيه الإشارة .

اگر اسب تازيست يك تازیانه .

29- A tongue may inflict a deeper wound than a sword .

جرح اللسان اصعب من جرح السنان .

آنچه زخم زبان کند با من زخم شمشیر جان ستان نکند

30- As greedy as Ashab.

اطمع من اشعب .

بسان اشعب طماع داستان شده .

31- As you sow so shall you reap .

ما تزرع تحصد .

هر چه بکاری تو همان بدروی .

32- Ask much to have a little .

خذنه بالموت حتى يرضى بالحصى .

به مرگ بگیر تا به تب راضی شود .

33- Better alone than in bad company .

الوحدة خير من جليس السوء .

مشو یار بدخواه و همکار بد که تنها کسی به که بیاورد

34- Better die than lie .

المنية والالدنية

مردن بعزت به که زندگانی بمذلت

35- By others' faults wise men learn .

العاقل من اعتبر بغيره .

لقمان را گفتند ادب از که آموختی گفت از بی ادبان .

36- Borrowing makes sorrowing.

العری خیر من ثوب المعار .

کهن جامه خویش پیراستن به از جامه عاریت خواستن

37- patience is Bitter but its fruit is sweet .

ان كان الصبر مر افعاقبته حلو .

صبر تلخ است ولیکن بر شیرین دارد

38- A tree is known by its fruit .

الثمرة تنبى عن الشجرة .

زیرا که درختی که مرورانشناسی بارش خبر آرد که چه بودست نهالش

39- Better foes than hollow friends .

عدو عاقل خیر من صديق جاهل .

دشمن دانا به از نادان دوست .

40- Better half a loaf than no bread ,

مالا يدرك كلة لا يترك كلة .

آب دریا را اگر نتوان کشید هم بقدر تشنگی باید چشید

41- Health is not valued till sickness comes .

العوافى اذا دامت جهلت واذا فقدت عرفت .

همچنین قدر سلامت کسی داند که بمصیبتی گرفتار آید .

42- The camel going to seek horns ; lost his ears .

كمثل حمار كان للقرن طالبا فاب بلا اذن وليس له قرن

زایافته دم دو گوش گم کرد .

43- Do as the preacher says not as he does .

انظروا الى ما قال ولا تنظروا الى من قال .

مرد باید که گیرد اندر گوش و در نوشته است پند بر دیوار



44- If the blind lead the blind both will fall into a ditch.

اعمى يقوده الاعمى .  
کوری دگر عصا کش کور دگر بود .

45- Don't cross the bridge before you come to it .

قدم الخروج قبل الولوج .  
بهر جائی که خواهی در شدن را  
نگه کن راه بیرون آمدن را

46- One man's meat is another man's poison .

مصائب قوم عند قوم فوائد .  
زیان کسی سوددیگر کس است .

47- Never do things by halves .

انما الاعمال بخواتمها .  
بر دست مگیر چون سبکساران  
کاریکه بسرش برد نتوانی

48- Strike while the iron is hot .

هیبهات تضرب فی حدید بازد .  
آهن سرد کوفتن .

49- Walls have ears.

للحیطان آذان .  
دیوار گوش دارد .

50- Everything comes to he who waits .

من تبع الصبر تبعه النصر .  
صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند  
بر اثر صبر نوبت ظفر آید .

